

بسم الله الرحمن الرحيم

عبدالعزیز آل سعود، دوست بسیار نزدیک انگلیس و دشمن سرسخت خلافت عثمانی

(مروری بر اسناد تاریخی وزارت خارجه بریتانیا)



(ترجمه)

عبدالعزیز آل سعود درخواست سلطان عبدالحمید ثانی را به خاطر حمایت از دولت عثمانی رد کرد. "حسن شکری" فرمانده نظامی عثمانی، نامه عبدالحمید ثانی را به عبدالعزیز رساند و او را از فتنه‌هایی که در نجد به وقوع می‌پیوست، هشدار داد و برایش گفت: «دست‌های بیگانه در این منطقه در کار اند.» "حسن شکری" به عبدالعزیز گفت: عبدالحمید این نامه را به خاطر حفظ خون‌ها و جلوگیری نفوذ و دخالت بیگانه در سرزمین‌های اسلامی فرستاده است؛ اما عبدالعزیز آل سعود در جواب گفت: «ما این نصیحت و خیرخواهی شما را نمی‌خواهیم و دیگر اجازه نمی‌دهیم که شما بر ما حکومت کنید و اطاعتی در کار نیست.»

"کرزون" وزیرخارجه انگلیس بزرگان و امرای خلیج را که با کشورش خو گرفته بودند؛ در حالی که عبدالعزیز در رأس آن‌ها قرار داشت، بالای کشتی انگلیسی خواست و سخنانی را در سایه توپ‌های دوربرد انگلیس ایراد کرد و خوبی‌های بریتانیا و قدرت انگلیس را در حفظ امنیت منطقه بر شمرده و آن‌ها را به همکاری به خاطر پاک‌سازی منطقه از دشمنان انگلیس و دور ساختن‌شان فراخواند؛ بدون تفاوت از این‌که دشمنان عثمانی‌ها باشند و یا آلمان‌ها، روس‌ها و فرانسوی‌ها.

سیاست انگلیس قبل از به قدرت رسیدن عبدالعزیز آل سعود، تنها دخالت در جزیره عرب و باقی ماندن در ساحل دریای عمان تا کویت بود؛ اما با سر قدرت آمدن افرادی مثل عبدالعزیز آل سعود، انگلیس سیاست خود را تغییر داده و هدف عمده‌اش را هم‌پیمان شدن با عبدالعزیز آل سعود و پایان دادن نقش "علی ابن رشید" وفادار دولت عثمانی قرار داد؛ ابن رشیدی که تهدیدی به نیروهای انگلیسی در جنوب وادی "رافدین" بود.

عبدالعزیز آل سعود در سال 1910م نامه‌یی را به "وليام هنری شکسپیر"، فرد اعتباری انگلیس فرستاد که هدف از این نامه نزدیک شدن عبدالعزیز به انگلیس بود. "شکسپیر" به زبان عربی خوب مهارت داشت و از همان زمان در بین عبدالعزیز و "شکسپیر" دوستی قوی و رفاقت محکمی به وجود آمد؛ چنانچه عبدالعزیز نامه دیگری به "پیرسی کوکس" نماینده انگلیس در منطقه فرستاد؛ عبدالعزیز در این نامه نوشته بود: «به جناب عالی می‌گویم تا به دوستی دیرینه‌ای بین مان و پیمان‌های گذشته نگاه کنید؛ دوستی و پیمان‌هایی که به زمان، فیصل پدرکلان مرحومم بر گشته، مدت 55 سال از آن پیمان‌ها گذشته و 55 سال دیگر باقی مانده است و ما علاقه‌مند دوباره این توافق نامه هستیم.» هم‌چنان عبدالعزیز افزود: «آل سعود از مبارک الصباح بهتر است؛ زیرا آل سعود با ترک‌ها هیچ معامله‌ای نکرده و هیچ‌گاه بیرق ترک‌ها را مثل مبارک برنداشته است و به هیچ زمانی خلافت سلطان را نپذیرفته است.»

"امیر شمر ابن رشید" نامه‌یی به عبدالعزیز فرستاد و خواهان صلح و آشتی با وی شد؛ اما عبدالعزیز صلح را به شرطی با او پذیرفت که ابن رشید به انگلیس تسلیم و از دولت عثمانی پشت کند و متعاقباً نامه‌ای به "کوکس" فرستاد و در آن نامه نوشت: «چنانچه شما می‌دانید، "ابن رشید" برای من نامه‌یی فرستاده و خواهان صلح گردیده است؛ اما من در جواب نامه آن نوشتم: در صورتی می‌توانید با من آشتی کنید و یا دوست شوید که دوستی تان را با حکومت دوست و هم‌پیمان ما، انگلیس و سایر هم‌پیمانان‌اش اظهار نمائید.» اما "ابن رشید" این خواست "عبدالعزیز" را رد کرد و عبدالعزیز دوستی بدون قید و شرط خود را با انگلیس تأکید کرد و برای "کوکس" گفت: «من هرگز صلح را با "ابن رشید" به خاطر هدف شخصی‌ام نمی‌پذیرم؛ بلکه صلح را فقط به خاطر منافع حکومت انگلیس قبول می‌کنم.»

یکی از ثروت‌مندان 700 شتر را خریداری کرد تا این شتران را به حمایت از نیروهای عثمانی در جنگی که علیه انگلیس داشتند، بفرستد؛ اما عبدالعزیز این قافله شتر را مورد حمله قرار داد و آن‌ها را گرفته و به طور هدیه و تحفه به انگلیس در کویت فرستاد.

در ماه مارچ 1913م عبدالعزیز در کویت با "شکسپیر" دیدار کرد و تصمیم خود را برای گرفتن منقطه احساء و قطیف در حالت ضعف و ناتوانی دولت عثمانی در بالکان گرفت؛ سپس در ماه اپریل 1913م به حمله ناگهانی اقدام نمود و بالای بندر عقیر غلبه پیدا کرد و نیروهای عثمانی را از آن منطقه دور ساخته و با "شکسپیر" و "تریفور"، نماینده انگلیس در بندر بحرین دیدار کردند و از یک‌دیگر استقبال گرمی نموده و به رقص ملی پرداختند.

در ماه مارچ 1914م "شکسپیر" به ریاض رفت و مدت پانزده روز با عبدالعزیز در مورد ارتباط برقرار کردن با امام یحیی و محمد ادریس، حاکم عسیر و دیگر رهبران منطقه جزیره عرب که در حقیقت مزدوران انگلیس بودند، صحبت کردند و هدف از این نشست تنظیم ایجاد اتحاد بر ضد عثمانی‌ها بود.

به تاریخ 28 نومبر 1914م عبدالعزیز آل سعود نامه‌یی نوشت: «از طرف عبدالعزیز به امیر نجد! به امید موفقیت شما و حکومت با افتخار انگلیس، امیدوارم که امور به شکل دلخواه پیش رفته و در امر مقابله بر ضد عثمانی‌ها با هم به توافق برسیم.»

به تاریخ 24 نومبر 1914م جنگ "جراب" بین عبدالعزیز و ابن رشید به وقوع پیوست که "شکسپیر" به عنوان مشاور نظامی عبدالعزیز بوده و رهبری توپ‌های دوربرد را به عهده داشت که نهایتاً "شکسپیر" در این جنگ کشته شد.

"کوکس" به خاطر تقدیر و دست‌آوردهای ابن سعود و شاح، فرمانده امپراتوری هند در جنگ جهانی اول به نفع انگلیس و همکاری‌شان مدال افتخار را به گردن ابن سعود و شاح انداخت؛ چیزی که باعث قوت بیشتر انگلیس در حمله اشغال عراق شد.

به تاریخ 26 دسمبر 1915م کوکس معاهده "دارین" را با عبدالعزیز به امضاء رساند که معاون پادشاه انگلیس نیز این معاهده را در هند تأیید کرد. در این معاهده موارد ذیل تحریر گردیده بوده:

- حکومت عبدالعزیز خود را ملزم به حمایت از منافع عبدالعزیز و سرزمین‌اش می‌داند.

- عبدالعزیز آل سعود، خود را متعهد می‌داند که از هر نوع ارتباط، توافق و معاهده با همه حکومت‌ها و دولت‌ها، غیر از انگلیس خود داری کند.

- عبدالعزیز حق ندارد که خاک خود را به گرو و اجاره بدهد و یا به عنوان امتیاز به دولت‌های اجنبی و یا یکی از هم‌پیمانان دولت‌های اجنبی بدون اجازه انگلیس بدهد.

- عبدالعزیز تعهد می‌کند که هیچ نوع تجاوز و دخالتی در کویت، بحرین، قطر، عمان و سواحل این مناطق نداشته باشد؛ چنانچه پدرش قبلاً این تعهد را کرده بود و هم‌چنان عبدالعزیز حق ندارد که در تمام مناطق شیخ‌نشین تحت حمایت انگلیس و معاهدین انگلیس دخالت کند.

- انگلیس متعهد است که 5000 جنیه استرلینی و هزار میل ماشیندار و تفنگ و صد هزار مرمی را به عنوان معاش سالانه برای سعودی پرداخت کند.

به تاریخ 29 دسمبر 1915م در اسناد انگلیس ذکر شده که شخصیت و صراحت عبدالعزیز موقوف آن را در نزد ما ثابت کرده و از جریان جنگ‌ها می‌توان بر آن اعتماد کرد.

وقتی عبدالعزیز آل سعود موقف و جایگاه‌اش را از طرف حسین ابن علی به خطر دید و احساس ترس می‌کرد، کوکس آن را آرامش و اطمینان داد و برایش گفت: «تشویش نکن! ما ضامن استقلال تو هستیم و تعهد می‌دهیم که شریف و هیچ‌کسی دیگری نمی‌تواند بر تو تجاوز کند.»

برگرفته از جریده‌الرایه

نویسنده: ابوحمزه "خطوانی"

2 جمادی الاول 1440 هـ.ق

9 جنوری 2019 م